

276/07

CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ

107

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 276

Date of filing: 29 Aug 89

\*\* AWARD - Type of Award Final  
- Date of Award 29 Aug 89  
     pages in English 22 pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
     pages in English      pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
     pages in English      pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
     pages in English      pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
     pages in English      pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
     pages in English      pages in Farsi

AWARD

Case No. 276

Chamber Three

پرونده شماره ۲۷۶

شعبه سه

حکم شماره ۳-۲۷۶-۴۲۶

English version  
 Filed on 30. Jun 1989  
 ۱۶۶۸-۴/۹  
 نسخه انگلیسی در تاریخ  
 ثبت شده است.

IRAN UNITED STATES  
 CLAIMS TRIBUNAL  
 دادگاه داورى دعاوى  
 ایران - ایالات متحدہ  
 ثبت شده - FILED  
 Date 29 AUG 1989  
 تاریخ ۱۳۶۸ / ۶ / ۷

آرتور ج. فریتس اند کامپنی،

خواهان،

- و -

شرکت تعاونی شرکتهای ساختمانی، و  
دولت جمهوری اسلامی ایران،

خواندگان.

DUPLICATE  
 ORIGINAL  
 نسخه برابر اصل

حکم

حاضران:

از جانب خواهان : آقای استوارت ابر کرومبی بیکر،  
آقای ولفرام اندرز،  
آقای حمید صبی،  
وکلائی خواهان،  
آقای لین فریتس،  
رئیس آرتور ج. فریتس اند کامپنی.

از جانب خوانندگان: آقای محمد کریم اشراق،  
نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،  
آقای علی حیرانی نوبری،  
معاون نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،  
آقای نعمت مختاری،  
مشاور حقوقی نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،  
آقای علی قاسمی،  
دستیار حقوقی نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،  
آقای محمد رنگچیان،  
وکیل شرکت تعاونی شرکتهای ساختمانی،  
آقای سیروس هنری،  
مدیر عامل شرکت تعاونی شرکتهای ساختمانی.

سایر حاضران:

آقای تیموتی ئی. ریمیش،  
نماینده رابط دولت ایالات متحده آمریکا،  
آقای مایکل اف. رابوین،  
قائم مقام نماینده رابط دولت ایالات متحده آمریکا.

## یک - مقدمه و شرح وقایع

- ۱ - خواهان، آرتور ج. فریتس اند کامپنی شرکتی است که طبق قوانین ایالت کالیفرنیا تشکیل یافته و ادعای خود را به عنوان جانشین در حقوق آرتور ج. فریتس اند کامپنی که یک شرکت تگزاسی است، به ثبت رسانده است (هر دوی این شرکتها منبع "فریتس" خوانده خواهند شد). فریتس در رشته حمل و نقل فعالیت دارد.
- ۲ - خواندگان عبارتند از شرکت تعاونی شرکتهای ساختمانی ("شرکت تعاونی") و دولت جمهوری اسلامی ایران ("ایران"). شرکت یاد شده، یک شرکت تعاونی شرکتهای ساختمانی ایرانی است که عمدتاً به منظور عرضه کالاها و خدمات به اعضای خود تاسیس یافته است.
- ۳ - فریتس بابت خسارت معطلی کشتی که در رابطه با یک قرارداد منعقد با شرکت تعاونی متحمل شده، مبلغ ۱،۱۵۷،۱۶۶/۶۴ دلار آمریکا به اضافه بهره و هزینه‌ها، مطالبه و در تاعیید ادعای خود به واقعیات زیر اشاره می کند.
- ۴ - در فوریه سال ۱۹۷۵، شخصی به نام بهمن آزرمی برای ترتیب حمل تعداد کثیری کامیون با فریتس تماس گرفت. کامیونهای مزبور را شرکت تعاونی به ج. کریگ آیرس - فورد شورلت اینک. ("آیرز") که یک فروشنده کامیون در ایالت اوکلاهماست، سفارش داده بود. آزرمی به فریتس اظهار داشت که وی از طریق شرکت خود، به نام بی اند ام اینترنشنال تریدینگ کامپنی ("بی اند ام") در اوکلاهما، به عنوان نماینده شرکت تعاونی عمل می کند. طی جلسه‌ای که در ۲۷ اسفند ماه ۱۳۵۳ [۱۸ مارس ۱۹۷۵] با حضور آزرمی و آقای یوسف عزیزیان، مدیر عامل وقت شرکت تعاونی برگزار گردید، هم در مورد خرید و هم در مورد ارسال کامیونها موافقت حاصل شد.

۵ - با توجه به تاخیرهایی که در آئین انتظار می رفت در امر تخلیه کالا در بنادر ایران رخ دهد، فریتس موضوع پرداخت خسارات معطلی احتمالی را مطرح کرد. در ۲۹ اسفند ماه ۱۳۵۳ [۲۰ مارس ۱۹۷۵] آزر می، به عنوان نماینده شرکت تعاونی، نامه‌ای به فریتس نوشته، ضمن مطالبی اظهار داشت که: "خسارت معطلی کشتی به طور روزانه به اجاره‌کنندگان کشتی طرف معامله، به دلار امریکا توسط شرکت تعاونی پرداخت خواهد شد." در اول اردیبهشت ۱۳۵۴ [۲۱ آوریل ۱۹۷۵] شرکت مادر فریتس که در آن زمان فریتس منجمنت کورپوریشن خوانده می‌شد، طی نامه‌ای به کلیه طرفهای ذینفع، از جمله بی اند ام و شرکت تعاونی، ترتیبات حمل بر اساسی اند اف را به طور دقیق شرح داد. ترتیبات حمل، از جمله عبارت بود از اینکه: "خسارت معطلی احتمالی در بندر خرمشهر، از قرار ۶،۰۰۰/ دلار در روز حساب خواهد شد..." و چون اعتراضی به عمل نیامد، فریتس اقدام به اجاره کشتیهای موردنیاز برای حمل کامیونها نمود. آیزر بعداً نامه‌ای به تاریخ ۱۹ خردادماه ۱۳۵۴ [نهم ژوئن ۱۹۷۵] و به امضای آقای عزیزیان از شرکت تعاونی دریافت کرد که در قسمتی از آن چنین آمده است: "خسارت معطلی کشتی تنها در مواردی قابل مطالبه است که ما پرداخت آنرا پذیرفته باشیم."

۶ - کامیون‌ها طی محموله‌های جداگانه توسط سه فروند کشتی به اسامی ام/اس الیمپیک فیتون، ام/اس هارفلور و ام/اس توکیو ونچر، به ایران حمل شد. طبق برگ‌های ساعات توقف کشتی‌ها در بندر (timesheets)، کشتیهای مزبور پس از رسیدن به خرمشهر، به ترتیب در ماه های ژوئن، اوت و سپتامبر ۱۹۷۵ دچار تاخیرهایی به شرح زیر شدند: ۶ روز و ۶ ساعت و ۱۰ دقیقه، ۵۸ روز و ۲۰ ساعت و ۳۰ دقیقه، و ۱۲۷ روز و ۱۸ ساعت. صحت مدتهای مزبور، به استثنای یک مورد جزئی، از جانب شرکت کشتیرانی تایید شده است.

۷ - بین فریتس و شرکت تعاونی مکاتباتی درمورد مسوولیت پرداخت خسارت معطلی

به عمل آمد که ضمن آن، شرکت تعاونی چنین مسوولیتی را انکار کرد. آخرین نامه موجود در پرونده، پاسخ مورخ ۳۰ فروردین ماه ۱۳۵۵ [۱۹ آوریل ۱۹۷۶] شرکت تعاونی به صورتحساب مورخ ۱۸ فروردین ماه ۱۳۵۵ [هفتم آوریل ۱۹۷۶] فریتس کامپنیز اینکورپوریتد (سابقاً "فریتس منجمنت کورپوریشن") ("اف سی آی") به مبلغ ۱،۱۵۷،۱۶۶/۶۴ دلار آمریکا می باشد. در بخش ذریبط نامه مزبور چنین آمده است:

ما هیچ مسوولیتی بابت خسارت معطلی مورد مطالبه در نامه فوق الذکر شما برای خود قایل نیستیم.

بی. اند ام. اینترنشنال تریدینگ اینک هرگز از طرف ما اجازه نداشته که به عنوان نماینده ما اقدام کند و یا تعهدی از جانب ما، خواه بابت معطلی کشتی و یا غیر آن، بپذیرد.

۸ - متعاقباً "دعوی در دادگاه فدرال ناحیه غرب اوکلاهما، اقامه و در ۱۷ فروردین ماه ۱۳۵۶ [ششم آوریل ۱۹۷۷] دادخواست مربوطه، به شرکت تعاونی در ایران ابلاغ گردید. در ۲۲ آذرماه ۱۳۵۷ [۱۳ دسامبر ۱۹۷۸] حکمی غیابی علیه شرکت تعاونی به مبلغ مدعی به، به اضافه ۲۵،۰۰۰ دلار آمریکا حق الوکاله، به علاوه هزینه‌ها و بهره، صادر شد. با این حال، فریتس نتوانست قبل از تاریخ رسمیت یافتن بیانیه حل و فصل دعاوی حکم مزبور را به اجرا بگذارد.

## دو - گردش کار

۹ - در ۲۴ دیماه ۱۳۶۰ [۱۴ ژانویه ۱۹۸۲]، خواهان دادخواستی به ثبت رساند که در پاسخ به آن، خواندگان لوایح دفاعیه‌ای در ۲۵ خرداد ماه ۱۳۶۱ [۱۵ ژوئن ۱۹۸۲] تسلیم کردند. در دوم خرداد ماه ۱۳۶۳ [۲۳ مه ۱۹۸۴] فریتس جوابیه‌هایی نسبت به این لوایح به ثبت رساند و متعاقب آن، خواندگان در ۱۹ تیر

ماه ۱۳۶۳ [دهم ژوئیه ۱۹۸۴] پاسخهایی به جوایه خواهان ثبت نمودند.

۱۰ - در دهم شهریور ماه ۱۳۶۵ [اول سپتامبر ۱۹۸۶]، خواهان لایحه خود را تسلیم کرد. لایحه شرکت تعاونی که در ۱۱ اسفند ماه ۱۳۶۵ [دوم مارس ۱۹۸۷] به ثبت رسید، محدود به موضوع صلاحیت دیوان بود. در ۲۸ اسفند ماه ۱۳۶۵ [۱۹ مارس ۱۹۸۷] خواندگان از دیوان تقاضا کردند که در مورد این مساله، به عنوان یک موضوع مقدماتی رای صادر کند و خواهان در ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ [ششم مه ۱۹۸۷] به این درخواست اعتراض کرد.

۱۱ - در ۲۹ خرداد ماه ۱۳۶۶ [۱۹ ژوئن ۱۹۸۷] خواهان لایحه معارض خود را ثبت کرد. خواندگان لایحه معارض خود را در همان تاریخ به ثبت رساندند و این بار به ماهیت دعوی نیز پرداختند. در ۲۴ تیرماه ۱۳۶۶ [۱۵ ژوئیه ۱۹۸۷] فریتس درخواست کرد که یا قسمتهایی از لایحه معارض شرکت تعاونی حذف گردد و یا به فریتس فرصت دیگری برای ارائه ادله معارض داده شود، به این دلیل که سند یادشده با طرح موضوعات و اظهارات جدید بی ارتباط با جریان دعوی، از حدود مجاز برای لوایح معارض تجاوز کرده است.

۱۲ - دیوان داوری طی دستور مورخ ۱۳ مرداد ماه ۱۳۶۶ [چهارم اوت ۱۹۸۷] خود به خواهان اجازه داد که لایحه معارض جدیدی تسلیم نماید و متن تصحیح شده این لایحه در ۲۰ مهرماه ۱۳۶۶ [۱۲ اکتبر ۱۹۸۷] توسط خواهان به ثبت رسید. در نهم بهمن ماه ۱۳۶۶ [۲۹ ژانویه ۱۹۸۸] شرکت تعاونی به دیوان اطلاع داد که به لایحه مزبور پاسخ نخواهد داد.

۱۳ - در هشتم بهمن ماه ۱۳۶۶ [۲۸ ژانویه ۱۹۸۸] خواهان درخواستی برای "اجازه تسلیم ادله معارض جدید" ثبت کرد که دو ضمیمه همراه آن بود. از آنجا که

خوانندگان در ۱۳ بهمن ماه ۱۳۶۶ [دوم فوریه ۱۹۸۸] به تسلیم اسناد یاد شده اعتراض کردند، دیوان طی دستور مورخ ۲۳ بهمن ماه ۱۳۶۶ [۱۲ فوریه ۱۹۸۸] متذکر شد که در جلسه استماع به مساله قابل پذیرش بودن این اسناد خواهد پرداخت. در ۲۵ فروردین ماه ۱۳۶۷ [۱۴ آوریل ۱۹۸۸] شرکت تعاونی اظهاریه‌ای تحت عنوان "پاسخ خواننده به درخواست خواهان مبنی بر کسب اجازه جهت تسلیم شواهد معارض جدید" به ثبت رساند. متعاقباً در ۲۴ خرداد ماه ۱۳۶۷ [۱۴ ژوئن ۱۹۸۸] شرکت تعاونی سندی تحت عنوان "پاسخ خواننده به شواهد معارض جدید خواهان" ثبت کرد.

۱۴ - جلسه استماعی در تاریخ ۲۵ خرداد ماه ۱۳۶۷ [۱۵ ژوئن ۱۹۸۸] برگزار شد.

۱۵ - در جلسه استماع، دیوان مجدداً این رویه را مورد تاکید قرار داد که به لحاظ احتراز از بیعدالتی نسبت به طرفهای دیگر پرونده، دیوان اسناد غیرمجازی را که فقط چند روز قبل از استماع پرونده به ثبت رسیده، نمی‌پذیرد. از اینرو، دیوان تصمیم گرفت اظهاریه مورخ ۲۴ خرداد ماه ۱۳۶۷ [۱۴ ژوئن ۱۹۸۸] خوانندگان را نپذیرد. راجع به اظهاریه مورخ هشتم بهمن ماه ۱۳۶۶ [۲۸ ژانویه ۱۹۸۸] خواهان، دیوان اخذ تصمیم را به بعد موکول کرد.

#### سوم - درخواست اجازه تسلیم ادله معارض جدید

۱۶ - خواهان در تقاضای اجازه تسلیم ادله معارض جدید، از دیوان درخواست کرده است که نامه مورخ ششم مهر ماه ۱۳۶۶ [۲۸ سپتامبر ۱۹۸۷] سازمان برنامه و بودجه ایران ("سازمان برنامه") را به عنوان مدرک بپذیرد. خواهان اظهار می‌دارد که این نامه، اظهارات قبلی شرکت تعاونی را درمورد تعداد شرکتهای عضو تحت کنترل دولت در مظان تردید قرار می‌دهد. در رابطه با این سند، خواهان ترجمه‌ای از



"لایحه قانونی اداره و تملک سهام شرکتها و موسسات پیمانکاری و مهندسی مشاور" را که در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران مورخ ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ [۱۱ مه ۱۹۸۰] به چاپ رسیده، ارائه نموده است.

۱۷ - گرچه این سند خواهان در اجرای دستور دیوان ارائه نشده، لازم به تذکر است که سند مزبور حاوی هیچ استدلال جدیدی نیست و اطلاعاتی را مطرح نمی سازد که قبلاً در اختیار خواهان بوده باشد. خواهان اظهاریه مزبور را در رد اظهارات شرکت تعاونی تسلیم کرده است. همچنین خاطرنشان می سازد که چون سند توسط سازمان برنامه و بودجه تهیه شده، که سازمانی است تحت کنترل دولت ایران، لذا اطلاعات مندرج در سند از زمان انتشار آن در دسترس ایران بوده است. با در نظر گرفتن این واقعیتها و نیز اینکه سند مزبور چهارماه و نیم قبل از جلسه استماع ارائه شده، به نظر نمی آید که پذیرش آن به عنوان مدرک حقی از خواندگان تضییع کند. بنابراین، با توجه به جمیع جهات، دیوان دلیلی برای رد سند مزبور نمی بیند و آنرا می پذیرد.

#### چهارم - صلاحیت

##### الف - خواهان

۱۸ - خواهان اظهار می دارد که جانشین در حقوق آرتور ج. فریتس اند کامپنی، یک شرکت تگزاسی است که به عنوان مدعی، در اوکلاهما علیه شرکت تعاونی اقامه دعوی کرد. خواهان مضافاً اظهار می دارد که شرکتی است که طبق قوانین ایالت کالیفرنیا تشکیل یافته و موجودیت دارد و سهام آن در اختیار شرکت کالیفرنایی دیگری به نام اف سی آی است و شرکت اخیرالذکر متعلق به اتباع ایالات متحده است.

۱۹ - در تأیید اظهارات پیشگفته، فریتس مدارکی از جمله مدارک زیر ارائه کرده است: گواهی مورخ ۲۲ آذر ماه ۱۳۶۳ [۱۳ دسامبر ۱۹۸۴] دبیر ایالتی ایالت کالیفرنیا که حاکی است فریتس در تاریخ نهم دیماه ۱۳۳۲ [۳۰ دسامبر ۱۹۵۳] تاسیس یافته، گواهی مشابه دیگری به تاریخ هشتم آذرماه ۱۳۶۲ [۲۹ نوامبر ۱۹۸۳] که نشان می دهد اف سی آی در ۱۸ دیماه ۱۳۴۸ [هشتم ژانویه ۱۹۷۰] به نام فریتس منجمنت کورپوریشن تاسیس یافته، اظهاریه مورخ ۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۴ [نهم فوریه ۱۹۷۶] آلیو ام. رینولدز، دبیر اف سی آی، که در آن، ضمن سایر مطالب، مالکیت سهام اف سی آی و فریتس مشخص گردیده، فتوکپی صفحات ذیربط گذرنامه‌های امریکایی سه نفری که به عنوان مالک سهام عادی اف سی آی نام برده شده‌اند و فتوکپی گذرنامه صاحب اکثریت سهام ممتاز شرکت (که نام وی در صورت اسامی صاحبان سهام مندرج است) و شهادت نامه مورخ اوت ۱۹۸۶ لین سی. فریتس، که رئیس هر دو شرکت فریتس و اف سی آی می باشد.

۲۰ - ایران گرچه به سمت فریتس به عنوان جانشین در حقوق [آرتور ج. فریتس اند کامپنی] ایراد نمی‌گیرد، با این وصف ادعا می کند که تابعیت امریکایی «اشخاص حقیقی که سهامدار شرکت خواهان بوده‌اند» به قدر کافی ثابت نشده است. علاوه بر این، ایران خاطر نشان می‌سازد که با اینکه خواهان مدعی است که اف سی آی سه نفر سهامدار دارد، اما مدارک تابعیت چهار نفر را ارائه کرده است.

۲۱ - از آنجا که به هر حال، شهادت نامه و نسخ گذرنامه‌ها، به کلیه سهامداران اف سی آی مربوط می شوند، به نظر دیوان، وجود احتمالی اختلاف بین مطالب مندرج در لایحه خواهان و اظهارات رینولدز - تا آنجا که خواهان صرفاً قصد پرداختن به موضوع مالکیت سهام عادی اف سی آی را نداشته - حائز اهمیت نمی باشد.

۲۲ - دیوان بر اساس مدارک موعید خواهان و در نبود مدارک معارض، متقاعد شده است

که خواهان ثابت کرده است که اشخاص حقیقی دارنده حداقل پنجاه درصد سهام سرمایه‌ای سهامدار مستقیم و منحصر به فرد خواهان، در طول دوره ذیربط، شهروند ایالات متحده بوده‌اند. گرچه خواهان جزئیات جانشینی ادعایی خویش در حقوق را ارائه نکرده، معیناً دیوان با توجه به مدارک ابرازی خواهان، از جمله مدرک مربوط به مالکیت شرکت تگزاسی آرتور ج. فریتس اند کامپنی، لزومی نمی‌بیند که بیش از این به این موضوع بپردازد. دیوان داوری بر این نظر است که ادعای فریتس با شرایط بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی تطبیق می‌کند.

ب - شرکت تعاونی به عنوان واحد تحت کنترل

۱ - اظهارات خواهان

۲۳ - خواهان اظهار می‌دارد که خواننده در مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی واحدی است تحت کنترل دولت ایران و استدلال می‌کند که دلیل این کنترل عبارتست از: حضور [نماینده] دادستانی انقلاب در شرکت تعاونی از ژوئیه ۱۹۷۹ تا سپتامبر ۱۹۸۱، کنترل ایران بر تعداد قابل ملاحظه‌ای از اعضای تعاونی، و نحوه ضبط و مصادره تعدادی از کامیونهای متعلق به شرکت تعاونی توسط وزارت راه و ترابری.

۲۴ - فریتس در اقامه این استدلال، تا حدود زیادی به گزارش سال ۱۹۸۵ تسلیمی به پانزدهمین جلسه مجمع عمومی شرکت تعاونی ["گزارش"] استناد می‌کند. گزارش مزبور حاوی اشارات زیر توسط هیئت مدیره شرکت به مساله دخالت دادستانی است:

در شهریورماه ۱۳۶۰ که هیئت مدیره قبول مسئولیت شرکت را نمود، پس از اتفاقاتیکه (شرح آن در گزارشات قبلی بعرض رسید) تقریباً کلیه موجودی کالای شرکت با نظارت نمایندگان دادستانی انقلاب و بانکهای طلبکار فروخته شده و بابت قسمتی از بدهی بوسیله گروه بانکهای تجارت و بانک ایران و آلمان برداشت شده بود و هیچگونه

فروشی بدون تاعیید نماینده دادستانی انقلاب اسلامی انجام نمیشد.... در اولین روزهای تصدی پس از یک سری مذاکره با نماینده دادستانی انقلاب اسلامی اداره امور شرکت (و در نتیجه فروشهای شرکت) مستقیماً توسط مدیریت تعاونی انجام پذیرفت.

\* \* \*

همانطور که در گزارش های سالهای قبل باستحضار رسید پس از اتفاقاتی که منجر به در اختیار گرفتن موجودی شرکت تعاونی توسط نماینده دادستانی انقلاب اسلامی شده بود انجام تعهدات شرکت به بانکهای مختلف دچار اشکال گردید.

۲۵ - گرچه فریتس خصوصی بودن بافت سازمانی شرکت تعاونی را منکر نمی شود، با این وصف استدلال می کند که گزارش روشن می سازد که داراییهای شرکت تماماً توسط دولت اداره می شد و دخالت دولت در امور روزمره شرکت در حدی بود که هر اقدام مهمی نیاز به اجازه وی داشت. فریتس اظهار می دارد که دادستانی در امر فروش داراییهای شرکت به طور فعال شرکت جست و فعالانه به نفع طلبکاران تحت کنترل دولت ایران و به زیان سایر طلبکاران تعاونی، از جمله خواهان، عمل کرد.

۲۶ - خواهان اظهار می دارد که، دلیل دیگر کنترل بالفعل [شرکت توسط] ایران، در اختیار گرفتن ۷۹ دستگاه کامیون متعلق به شرکت توسط وزارت [راه] در سال ۱۹۸۰ است. فریتس براساس شرح واقعه در گزارش، نتیجه می گیرد که این عمل، تصمیم یکجانبه ای از سوی دولت بود و هنگامی که دولت بعداً کامیون ها را فروخت، عواید حاصله را به مصرف تسویه دیون شرکت به بانکهای دولتی رساند.

۲۷ - خواهان می گوید که شرکت تعاونی به دلیل ساختار مالکیت آن نیز تحت کنترل دولت می باشد. فریتس شهادت نامه ای از عبدالمجید اعلم، رئیس سابق هیئت مدیره شرکت تعاونی تسلیم نموده، که طبق آن "...بسیاری از شرکتهای عمده ای که موسس اس تی اس اس (شرکت تعاونی) بوده اند، به بنیاد مستضعفان واگذار گردیدند" که به

نوبه خود، یک واحد تحت کنترل است. خواهان مضافاً نامہ مورد اشارہ در بند ۱۶ این حکم را ارائه نموده کہ به موجب آن سازمان برنامه برای بعضی موسسات پیمانکاری کہ طبق لایحہ قانونی ادارہ و تملک سهام شرکتها و مؤسسات پیمانکاری و مهندسی مشاور، ایران آنها را در اختیار گرفته بوده، مدیران تصفیہ منصوب نموده است. فریتس می گوید کہ در این نامہ، از دو شرکت اسم برده شدہ کہ خوانندگان آنها را بہ عنوان واحد تحت کنترل دولت ذکر نکرده اند و این نشان می دهد کہ فہرست سال ۱۹۸۶ حاوی اسامی اعضای تحت کنترلی کہ توسط شرکت تعاونی بہ ثبت رسیدہ، ناقص و نادرست است. فریتس علاوہ بر این استدلال می کند کہ ایران حتی اگر بر اقلیتی از اعضای شرکت تعاونی اعمال کنترل می کرد، باز ہم از طریق قدرت کنترل آراء آن گروہ، بر امور شرکت تعاونی تسلط داشت.

## ۲ - اظہارات خوانندگان

۲۸ - خوانندگان بر صلاحیت دیوان دآوری بہ این دلیل ایراد می گیرند کہ شرکت تعاونی واحد تحت کنترل دولت نیست و لذا ادعا، بہ دلیل عدم دخالت ایران در این مسالہ متوجہ ایران نیست. ایران اشارتاً، بہ کلیہ استدلالات و مدارکی کہ شرکت تعاونی ارائه نموده، استناد می کند.

۲۹ - شرکت تعاونی اظہار می دارد کہ وی شرکت تعاونی ای است کہ اعضای آنرا شرکتهای ساختمانی تشکیل می دهند و شرکتی خصوصی است کہ بہ ہمین ترتیب نیز رسماً تاسیس یافته و بہ ثبت رسیدہ است. وی می گوید کہ در سال ۱۳۵۰ بہ موجب قانون شرکتهای تعاونی تشکیل یافت و هموارہ طبق اساسنامہ خود، کہ نسخہ ای از آنرا ارائه نموده، ادارہ شدہ است.

۳۰ - طبق این اساسنامہ، مجمع عمومی عالیترین مرجع اتخاذ تصمیم در شرکت تعاونی

است. اختیارات آن شامل "تعیین خط مشی و برنامه شرکت" و نصب اعضای هیئت مدیره است. ماده ۲۴ مقرر می دارد که هر عضو، صرفنظر از تعداد سهامی که دارد، در مجمع عمومی فقط حق یک رای خواهد داشت و ماده ۴۴ هیئت مدیره را به عنوان نماینده قانونی شرکت معرفی می کند.

۳۱ - شرکت تعاونی اظهار می دارد که همواره توسط مدیران منتخب مجمع عمومی اداره شده و نمایندگان شرکتهای عضو متعلق به دولت یا تحت کنترل دولت، هرگز جزو این مدیران نبوده‌اند. بعلاوه، شرکت تعاونی می گوید که "اکثریت اعضای شرکت تعاونی همواره شرکتهای خصوصی بوده‌اند که وابسته یا تحت کنترل دولت نبوده‌اند". در تأیید این اظهار، خواننده شهادتنامه مدیرعامل شرکت تعاونی و همچنین فهرستی را تسلیم نموده که طبق آن، در ماه نوامبر سال ۱۹۸۶ از مجموع ۲۳۷ عضو تعاونی فقط ۴۹ عضو تحت کنترل دولت بوده‌اند.

۳۲ - شرکت تعاونی منکر آنست که دخالت دادستانی به منزله کنترل دولت بر تعاونی بوده است و توضیح می دهد که در اواسط سال ۱۹۷۹ دادستانی داراییهای شرکت تعاونی را توقیف کرد، به آن دلیل که تعاونی دیون خود به بعضی بانکهای متعلق به دولت و عمدتاً "بانک تجارت را تسویه نکرده بود. در ۲۵ اسفند ماه ۱۳۵۸ [۱۶ مارس ۱۹۸۰] شرکت تعاونی به دادستانی اطلاع داد که "تاخیر در امر بازگشایی [انبار و تعمیرگاه تعاونی] موجب اشکالاتی جهت شرکتهای ساختمانی عضو این تعاونی از نظر تامین مصالح ساختمانی و راهسازی گردیده است" و از وی تقاضا کرد "...برای رفع تعرض از انبار و تعمیرگاه شرکت تعاونی شرکتهای ساختمانی مقرر فرمائید... نسبت به بازکردن انبار و تعمیرگاه شرکت اقدام فرمایند". همانطور که از نامه مورخ ۲۷ اسفند ماه ۱۳۵۸ [۱۸ مارس ۱۹۸۰] خود به دادستانی پیداست، بانک تجارت تقاضای رفع توقیف از اموال شرکت را تایید کرد تا فروش دارائیهای شرکت و پرداخت بدهی های آن امکان پذیر گردد.

۳۳ - دادستانی طی حکم مورخ اول اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ [۲۱ آوریل ۱۹۸۰] به دو نفر ماموریت داد تا سرپرستی هیئتی را برای ترتیب فروش داراییهای شرکت عهده‌دار شوند. بدین ترتیب، شرکت تعاونی استدلال می‌کند که "تنها دلیل حضور نماینده دادستانی انقلاب، نظارت بر فروش اموال شرکت برای تادیه بدهیهای شرکت به بانکها بوده است". در تأیید این استدلال، شرکت تعاونی مضافاً مکاتبات بین خود و بعضی از طلبکارانش و نیز مکاتبات بین آن طلبکاران را که در آنها نقش دادستانی به نحو مشابهی توصیف شده، ارائه نموده است.

۳۴ - شرکت تعاونی برای اثبات این مطلب که اعضایش کنترل را در دست داشتند خاطرنشان می‌سازد که: بدنبال توقیف اموال شرکت، اعضای تعاونی هیئت مدیره جدیدی را در نوامبر ۱۹۷۹ منصوب کردند و صورتهای مالی سال ۱۹۷۹ و گزارش هیئت مدیره را در مجمع عمومی اوت ۱۹۸۰ تصویب نمودند و "مجامع عمومی شرکت همه ساله مطابق قانون و اساسنامه شرکت تشکیل گردیده است".

۳۵ - علاوه بر این، شرکت تعاونی اظهار می‌دارد که حتی اگر مداخله دادستانی کنترل دولت محسوب شود، بازهم دیوان فاقد صلاحیت است، زیرا این مداخله در طول سال ۱۹۸۱ متوقف شد. شرکت تعاونی مدعی است که برای احراز صلاحیت طبق بیانیه حل و فصل دعاوی، کنترل باید از تاریخی پیش از امضای بیانیه حل و فصل دعاوی تا تاریخ صدور حکم، ادامه داشته باشد.

۳۶ - در رابطه با در اختیار گرفتن ۷۹ دستگاه کامیون شرکت تعاونی، شرکت یادشده برای اثبات این مطلب که انتقال مزبور بر اساس تصمیم متخذه توسط هیئت مدیره تعاونی صورت گرفته، به متن گزارش سال ۱۹۸۵ هیئت مدیره استناد می‌کند.

۳ - یافته‌های دیوان

۳۷ - مساله‌ای که در اینجا دیوان باید تعیین کند اینست که شرکت تعاونی واحد تحت کنترل ایران در مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی هست یا خیر. همانطور که در حکم شماره ۳-۲۵۵-۱۷۶، ص ۱۶، مورخ ششم اردیبهشت ماه ۱۳۶۴ [۲۶ آوریل ۱۹۸۵] در پرونده دیک آو دله‌ور اینک و سایرین و شرکت نوسازی و عمران تهران و سایرین، (منتشره در 144, 155 Iran-U.S. C.T.R. 8) نظر داده شده، این مساله یک امر موضوعی است. در نتیجه، مساله این نیست که واحد مزبور از نظر بافت سازمانی به صورت یک شرکت خصوصی بوده یا خیر، رجوع شود به همان ماخذ و یا در واقع ملی یا مصادره شده بوده است یا خیر، رجوع شود به حکم شماره ۳-۱۳۲-۲۱، ص ۶-۵، مورخ ۳۰ دیماه ۱۳۶۱ [دهم ژانویه ۱۹۸۳] در پرونده رکسنورد اینک و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، (منتشره در 6, 10 Iran-U.S. C.T.R. 2). به عکس، مساله موثر در مقام، ضمن مسائل دیگر، اینست که آیا شرکت توسط هیئت مدیره به ثبت رسیده خود اداره می شده یا خیر و سهامداران در موقعیتی بودند که حقوق خود را اعمال و وظایفشان را به عنوان سهامدار انجام دهند یا خیر. رجوع شود به: حکم شماره ۳-۱۷-۲، ص ۳-۴، مورخ ۲۴ آذر ماه ۱۳۶۱ [۱۵ دسامبر ۱۹۸۲] در پرونده ریگو واگنر ایکوئیمننت کامپنی و شرکت استارلاین ایران (منتشره در 1).

Iran-U.S. C.T.R. 411, 413

۳۸ - قبل از تعیین این مطلب که شرکت تعاونی واحد تحت کنترل بوده یا خیر، دیوان باید ابتدا به این اظهار شرکت تعاونی که در تأیید آن استدلالی ارائه نشده، رسیدگی کند که کنترل باید تا تاریخ صدور حکم ادامه داشته باشد. بر طبق رویه دیوان، مساله کنترل نسبت به تاریخی موخر بر تاریخ امضای بیانیه حل و فصل دعاوی، یعنی ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] مصداق نمی یابد. برای مثال رجوع شود به:



حکم جزئی شماره ۳-۱۲۳۸۴/۲۲۷-۳۲۹، بند ۴۴، مورخ ۲۰ آبانماه ۱۳۶۶ [۱۱] نوامبر ۱۹۸۷] در پرونده ایستمن کداک کامپنی و سایرین و دولت ایران و سایرین (منتشره در 17 Iran-U.S. C.T.R. 153, 165). بنابراین، اظهار شرکت تعاونی بی پایه است.

۳۹ - بر مبنای اساسنامه شرکت تعاونی، اعضای تعاونی با اعمال حق خود در تعیین خط مشی شرکت و تعیین مدیران آن، شرکت را رسماً کنترل می کنند. از آنجا که کنترل دولت به طور غیرمستقیم از طریق علایق مالکانه سازمانهای تحت کنترل دولت قابل اعمال است، رجوع شود به حکم شماره ۲-۱۳۵-۲۱۸، بند ۲۹ مورخ ۲۸ اسفند ماه ۱۳۶۴ [۱۹ مارس ۱۹۸۶] در پرونده فلیس داج اینترنشنال کورپ. و جمهوری اسلامی ایران (منتشره در 10 Iran-U.S. C.T.R. 157, 166-67)، اولین سوال اینست که آیا ایران صاحب یا کنترل کننده شرکتهای ساختمانی ای که به نوبه خود اکثریت اعضای تعاونی را تشکیل می دادند، بوده است یا خیر.

۴۰ - شرکت تعاونی علاوه بر فهرست اعضای تحت کنترل در نوامبر ۱۹۸۶، جدولی حاوی کل تعداد اعضاء، اعضای جدید و اعضای خارج شده در طول سالهای ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۶، ارائه نموده است. با توجه به ارقام تسلیمی، غیرمحمتمل است که از میان اعضای که بین سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶ از تعاونی خارج شدند و آنهایی که باقی ماندند و در سال ۱۹۸۶ تحت مالکیت خصوصی بودند، تعداد کافی شرکت در سال ۱۹۸۱ تحت کنترل دولت بوده باشد که تشکیل اکثریت دهد، حتی اگر فرض کنیم که کلیه شرکتهایی که در سال ۱۹۸۶ به عنوان شرکت تحت کنترل ذکر شده اند، در سال ۱۹۸۱ نیز تحت کنترل دولت بودند.

۴۱ - این وظیفه خواهانست که استنباط فوق را رد و ثابت کند که دولت واقعا "تعداد کافی از اعضای تعاونی را تحت کنترل داشته است. گرچه خواهان قابل اعتماد بودن

فهرست تسلیمی شرکت تعاونی را مورد سوال قرار داده، معهدا کنترل اکثریت را ثابت نکرده است. بهمین نحو، و در نبود مدارک بیشتر، این واقعیت که اقلیتی از اعضای تعاونی در جلسات مجمع عمومی آن، شرکت می کردند، الزاما این نتیجه را به دست نمی دهد که اعضای تحت کنترل دولت در آن جلسات، کنترل بیش از حدی بر تعاونی اعمال می نمودند.

۴۲ - بنابراین، دیوان اکنون به این استدلال فریسی می پردازد که دخالت دادستانی موجب گردید که کنترل تعاونی از دست هیئت مدیره ای که قانونا انتخاب شده بود و همچنین مجمع عمومی خارج گردد. در بررسی این امر، دیوان ملاحظه می نماید که قسمت اعظم ادله و مدارک تسلیمی به دیوان ماهیتا از نوع قرائن و امارات است. به علاوه، با توجه به اشاراتی که در گزارش سال ۱۹۸۵ و صورتجلسه سپتامبر ۱۹۸۱ مجمع عمومی به دادستانی شده، در صورتیکه گزارشهای مدیران تعاونی برای سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۴ به دیوان دآوری تسلیم شده بود، کار دیوان در ارزیابی واقعیتها آسانتر می بود. باید چنین فرض کرد که خواهان در تحصیل این قبیل اسناد در موقعیت نامساعدی بوده است ولی بهر حال این مساله مانع نشده است که وی گزارش سال ۱۹۸۵ را تسلیم کند. به طوری که تسلیم گزارش سال ۱۹۸۶ مدیران و صورتجلسات سالهای ۱۹۷۹ الی ۱۹۸۷ توسط خوانندگان دلالت می کند، خوانندگان احتمالا در وضعیتی بودند که می توانستند این گزارشها را ارائه نمایند. دیوان خاطر نشان می سازد که طبق یک اصل پذیرفته شده، قصور یک طرف در تسلیم ادله و مدارکی که احتمالا در اختیار وی بوده، می تواند به زیان وی تعبیر شود. بنابراین، دیوان در سنجش ادله و مدارک موجود نزد خود، باید قصور خوانندگان در ارائه گزارشهای هیئت مدیره را مدنظر قرار دهد.

۴۳ - نقطه شروع برای ارزیابی ادله و مدارک توسط دیوان، توقیف داراییهای شرکت تعاونی در اواسط سال ۱۹۷۹ است. نامه مورخ ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۸ [۱۸ فوریه

۱۹۸۰] شرکت تعاونی، نامه مورخ ۲۷ اسفند ماه ۱۳۵۸ [۱۸ مارس ۱۹۸۰] بانک تجارت، حکم مورخ اول اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ [۲۱ آوریل ۱۹۸۰] دادستانی و گزارش سال ۱۹۸۵ حاکی است که توقیف اموال، اولین قدم در جهت این هدف بود که شرکت تعاونی تعهدات خود را ایفا کند. نامه مورخ ۲۷ اسفند ماه ۱۳۵۸ [۱۸ مارس ۱۹۸۰] ثابت می‌کند که این تعهدات شامل دینی به مبلغ ۱،۴۶۴،۹۷۹،۵۸۴ ریال به "بانکهای عضو" بانک تجارت بود. مکاتبات مربوط به بانک تجاری ایران و آلمان که در پرونده موجود است، نشان می‌دهد که این بانک جزو طلبکاران شرکت تعاونی بوده است. در فوریه ۱۹۸۰، شرکت تعاونی از بانک تجارت خواست که از اموال رفع توقیف نموده و آنها را برای پرداخت بدهیهای شرکت تعاونی بفروشد. بعداً، درخواست مشابهی به دادستانی فرستاده شد و دادستانی به دنبال نامه‌ای از بانک تجارت، در اول اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ [۲۱ آوریل ۱۹۸۰] دو نفر نماینده تعیین کرد تا اموال تعاونی را به فروش برسانند و عواید حاصله را به مصرف پرداخت دیون شرکت، به ویژه به بانک تجارت رسانند.

۴۴ - بحثی نیست که قسمت اعظم داراییهایی که مورد توقیف واقع شده بود، تا سپتامبر ۱۹۸۱ به فروش رسیده بود. خواهان درصدد اثبات این مطلب برنیامده که دولت کنترل (تعاونی) را از آن تاریخ به بعد، در اختیار داشته است. در واقع، در سوابق پرونده، مدرکی حاکی از اقدام دیگری از جانب دادستانی به چشم نمی‌خورد. این امر حاکی از آنست که حضور [نماینده] دادستان احتمالاً "یک امر موقتی بوده و بدین ترتیب، الگویی را که از رویدادهای مشروح در بند بالا تا حدی ظاهر می‌شود، تایید می‌کند بدین معنی که هدف اصلی اقدامات دادستانی احتمالاً "حل مشکلات مربوط به بدهیهای شرکت تعاونی بوده تا انتقال کنترل.

۴۵ - دیوان همچنین نظریه انتقال کنترل را با ادامه دخالت اشخاصی غیر از [نماینده] دادستان در امور تعاونی طی دوره مورد بحث، به طوری که بررسی بیشتر واقعیات

نشان می‌دهد، چندان سازگار نمی‌یابد. چند ماه پس از توقیف داراییها، اعضای شرکت تعاونی در جلسه مورخ چهارم آذرماه ۱۳۵۸ [۲۵ نوامبر ۱۹۷۹] مجمع عمومی، هیئت مدیره جدیدی انتخاب کردند. در جلسه مورخ ۱۴ شهریور ماه ۱۳۶۰ [پنجم سپتامبر ۱۹۸۱] که طی آن هیئت مدیره جدیدی انتخاب شد، گزارش هیئت مدیره برای سال ۱۹۸۰ و صورتهای مالی آن سال ارائه و تصویب گردید. نامه مورخ ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۸ [۱۸ فوریه ۱۹۸۰] شرکت تعاونی نشان می‌دهد که آن شرکت فروش اموال مربوط را تقاضا نمود و طرف تقاضایش ابتدا طلبکار اصلی آن بود و نه دادستانی. دادستانی نیز در حکم مورخ اول اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ [۲۱ آوریل ۱۹۸۰] خود دستور داد که فروش اموال توسط کمیته‌ای مرکب از افرادی منجمله نمایندگان شرکت تعاونی و طلبکار اصلی آن، صورت گیرد.

۴۶ - متاسفانه، مدارک تسلیمی طرفین چندان کمکی به دیوان نمی‌کند تا حدود اختیارات دادستان را در چهارچوب توقیف اموال تعیین کند. نامه مورخ ۱۵ مهر ماه ۱۳۵۹ [هفتم اکتبر ۱۹۸۰] بانک ایران و آلمان حاکی است که اقدام دادستان در واکنش به نامه این بانک بوده است. از سوی دیگر، همین بانک در نامه مورخ ۱۹ فروردین ماه ۱۳۶۰ [هشتم آوریل ۱۹۸۱] خود، دادستان را به خاطر "بیداری و توجه" دادستانی در رابطه با توقیف و فروش اموال مورد ستایش قرار می‌دهد. همچنین، باید توجه داشت که در نامه مورخ ۲۷ اسفند ماه ۱۳۵۸ [۱۸ مارس ۱۹۸۰] بانک تجارت ذکر شده است که پرداخت مطالبات [بانکهای] طلبکار "موجب جلوگیری از حیف و میل بیت المال" جمهوری اسلامی خواهد شد. با این وصف، دیوان داوری خاطر نشان می‌سازد که گرچه حدود اختیارات دادستان کماکان نامعلوم است، با این حال، دلیل و مدرکی راجع به هر اقدامی که به طور مستقیم به توقیف و فروش اموال مربوط نباشد، ارائه نشده است و این امر موید استنباطی است که می‌توان از واقعیات مندرج در بند ۴۵ این حکم به عمل آورد، بدین معنی که دلیل و مدرک کافی در تایید این استدلال وجود ندارد که شرکت تعاونی توسط هیئت مدیره ثبت

شده آن اداره نمی شده و اعضای آن قادر نبودند حقوق خود را اعمال کنند.

۴۷ - خواهان در طرح استدلال خود، قویاً به گزارش سال ۱۹۸۵ استناد می کند. گرچه نحوه نگارش قسمتهایی از گزارش، سؤالاتی درباره بعضی از اظهارات شرکت تعاونی برمی انگیزد، دیوان این سؤالات و تردیدها را همراه با قصور خوانندگان در ارائه سایر گزارشهای هیئت مدیره، کافی نمی داند تا راجع به مساله کنترل شرکت تعاونی (به زیان خوانندگان) استنباط به عمل آورد. گزارش مزبور با یافته‌های مندرج در بندهای ۴۳ تا ۴۶ این حکم منافات ندارد. علاوه بر این، بخشهایی از گزارش که حاکی از نقش فعالانه‌تر خود شرکت تعاونی است، اثر نقل قول از سایر بخشها توسط خواهان را، اگر خنثی نکند، دست کم از تاثیر آن می کاهد. طبق گزارش، این خود شرکت تعاونی بود که اقدام به "پرداخت دیون خود به بانکهای مختلف" کرد و فروش داراییها "با نظارت" نماینده دادستانی صورت گرفت(۱). بهمین نحو، از شرح در اختیار گرفتن ۷۹ دستگاه کامیون، کارگاه، وسایل و قطعات یدکی به ترتیب مندرج در گزارش سال ۱۹۸۵ که تنها منبع اطلاعات در مورد این موضوع است، می توان تعبیر و تفسیرهای مختلفی به دست داد. بر مبنای این ملاحظات، دیوان بر این نظر است که خواهان به صرف ارائه گزارش سال ۱۹۸۵ و بی آنکه مدارک دیگری ارائه کند، از عهده اثبات ادعای خود بر نیامده است.

۴۸ - بر اساس مطالب پیشگفته، نظر دیوان اینست که ادله و مدارک کافی راجع به اینکه شرکت تعاونی در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] واحد تحت کنترل

---

(۱) نامه‌ای به تاریخ دهم آذرماه ۱۳۶۰ [اول دسامبر ۱۹۸۱] حاوی اظهار مشابهی است. در نامه مزبور، همان هیئت مدیره‌ای که مسئول تهیه گزارش بوده، فروش اموال را به شرح زیر توصیف کرده است: ... شرکت تعاونی تصمیم به فروش کالاهای خود گرفت و برای اینکه این کار به نحو صحیح انجام پذیرد، فروش کالا با حضور نماینده دادستانی انقلاب صورت گرفت.

ایران به نحو مقرر در بیانیه حل و فصل دعاوی بوده، ارائه نشده است. در نتیجه، دیوان ادعای مطروح علیه شرکت تعاونی را به لحاظ فقد صلاحیت رد می کند.

#### پنجم - ادعای مطروح علیه ایران

۴۹ - فریتس در دادخواست خود، ظاهراً ادعایی علیه ایران و متمایز از ادعای مطروح علیه شرکت تعاونی مطرح می سازد و آنرا «ناشی از اقدامات موثر بر حقوق مالکیت توسط دولت ایران و دولت جمهوری اسلامی ایران» توصیف می کند. از آنجا که در لوایح خواهان چندان توجه دیگری به این ادعا نشده، روشن نیست که آیا فریتس قصد طرح ادعای جداگانه و مجزایی علیه ایران غیر از ادعای مطروح علیه شرکت تعاونی داشته است یا خیر. با این وصف، فریتس در بخشی از لایحه خود در بحث راجع به این مطلب که آیا شرکت تعاونی تحت کنترل ایران بوده است یا خیر، اظهار داشته که در ادعای حاضر دعوی به درستی متوجه ایران است، زیرا که برحسب ادعای «دولت تصمیم می گرفت که به کدامیک از طلبکاران باید پول پرداخت شود و نه شرکت تعاونی». به ویژه، فریتس اظهار می دارد که دولت داراییهای شرکت تعاونی، از جمله ۷۹ دستگاه کامیون و تعمیرگاه آنرا فروخت و عواید حاصله را بجای آنکه به شرکت تعاونی رد کند، به مصرف تسویه دیون شرکت به تعدادی از بانکهای دولتی رساند.

۵۰ - خواهان مشخص نساخته است که به چه نحو از اقدامات ادعایی متضرر شده است. بنابراین، دیوان ادعای فریتس علیه ایران را به لحاظ فقد دلیل رد می کند. رجوع شود به حکم شماره ۱-۴۴۸-۲۸۳، بند ۴۰، مورخ ۲۸ آذرماه ۱۳۶۵ [۱۹۱] دسامبر ۱۹۸۶] در پرونده تریدینگ سیستمز کوریوریشن و بانک تجارت و سایرین [منتشره در

ششم - هزینه ها

۵۱ - دیوان داوری براین نظر است که هرطرف باید هزینه‌های داوری خود را متقبل شود.

هفتم - حکم

۵۲ - بنا به مراتب پیشگفته،

دیوان حکمی به شرح زیر صادر می کند:

الف - ادعای مطروح علیه خوانده، شرکت تعاونی شرکتهای ساختمانی، به لحاظ فقد صلاحیت رد می شود.

ب - ادعای مطروح علیه خوانده، دولت جمهوری اسلامی ایران در ماهیت رد می شود.


ج - هر یک از طرفین باید هزینه‌های داوری خود را تقبل نماید.

لاشه، به تاریخ ۲۹ اوت ۱۹۸۹ برابر با ۷ شهریورماه ۱۳۶۸



گایتانو آرانجیو-روئیتس  
رئیس شعبه سه

به نام خدا



پرویز انصاری معین



ریچارد سی. الین  
نظر مخالف